



سرمقاله

## انجمن‌های تخصصی

آن، این تصور پیش آمده بود که هرکس آزاد است تا هر کاری دلش می‌خواهد انجام دهد، حتی اگر این کار با منافع کشور، انقلاب، اسلام و مردم تضاد داشته باشد. در آن زمان تصویری که از آزادی ارائه میشد این بود که هرکس آزاد است اسلحه دست بگیرد و مردم را بکشد، هرکس آزاد است قومیتها را تحریک نموده و در جهت تجزیه‌طلبی حرکت نماید، هرکس آزاد است بنیانی‌ترین اعتقادات اکثریت مردم مسلمان را به باد استهزا گرفته و آنها را زیر پا گذارد. هرکس آزاد است امنیت اجتماعی را سلب و آنارشیزم را حاکم نماید و در نهایت هرکس آزاد است مقدمات بازگشت دیکتاتوری را فراهم سازد. طبیعی است هیچکدام از تعاریف فوق آزادی را بطور صحیح و اساسی معنی نکرده و هدف مردم نیز از طرح آزادی در جریان

یکی از شعارهای اصلی و اساسی که در جریان انقلاب مقدس اسلامی توسط امت قهرمان ایران سر داده می‌شد و تا لحظه پیروزی ادامه داشت شعار آزادی بود. این شعار در قالب استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی مطرح و در کنار شعارهای دیگر، بنیانی‌ترین اهداف و خواسته‌های انقلاب را مطرح نمود و جزو اصول انقلاب گردید. نکته مهم در این مقوله اینست که این آزادی چیست و تعریف آن کدام است. آیا این آزادی همان ولنکاری غربی است یا اختیارداری شرقی؟ این آزادی رهایی از تمام اصول انسانی و مقدسات الهی است یا تبری از قید و بندهای مادی و حیوانی و حرکت در جهت تعالی و تکامل می‌باشد؟ در ابتدای پیروزی انقلاب اسلامی بدلیل عدم تعریف صحیح از آزادی و یا عدم درک و همچنین تعریف مغالطه‌آمیز از

انقلاب چنین مفهومی نبوده است.

در مقابل چنین برداشتی از آزادی، تفکر دیگری نیز ممکن است بگوید که هیچکس تحت عنوان آزادی حق انتقاد ندارد، زیرا ممکن است موجب تضعیف مسئولین و یا بعضی ارگانها شود. این اندیشه نیز تعریف صحیحی از آزادی ارائه نداده و با شعار اصلی انقلاب، دیدگاههای رهبر کبیر انقلاب اسلامی و همچنین نظریات مقام معظم رهبری تغایر دارد، زیرا به مرور زمان این تفکر، انقلاب را از مسیر اصلی منحرف و زمینه را برای ایجاد دیکتاتوری مجدد آماده می‌کند.

به نظر نگارنده بهترین تعریفی که می‌توان از آزادی ارائه داد اینستکه آزادی عبارت از ارائه نظریات و تفکرات و انجام اقدامات در چارچوب قانون است. در صورتیکه این مفهوم از آزادی پیاده شود نه آثارشیم بر کشور حاکم می‌گردد و نه دیکتاتوری تولدی دوباره می‌یابد. عمل به قانون و حرکت در چارچوب ضوابط خاص برای تمام آحاد ملت بهترین روشی است که تاکنون تجربه شده و حاکمیت را از تمام خطرات احتمالی مصون می‌دارد.

با توجه به مطالب فوق آزادی در جمهوری اسلامی ایران قانونمند گشته و در قالب اصول قانون اساسی و قوانین مصوب مجلس شورای اسلامی تدوین و ارائه شده است.

اصل سوم قانون اساسی وظایف دولت را برای رسیدن به اهداف نظام جمهوری اسلامی در ۱۶ بند مشخص می‌نماید. بندهای ۶ و ۷ و ۸ که در ارتباط با بحث ماست بدین شرح است:

۶ - محو هرگونه استبداد و خودکامگی و

انحصارطلبی

۷ - تأمین آزادیهای سیاسی و اجتماعی در حدود قانون

۸ - مشارکت عامه مردم در تعیین سرنوشت سیاسی، اقتصادی اجتماعی و فرهنگی خویش.

همچنین در اصل بیست و ششم قانون اساسی در فصل سوم و تحت عنوان حقوق ملت چنین می‌خوانیم: احزاب، جمعیتها، انجمنهای سیاسی و صنفی و انجمنهای اسلامی یا اقلیت‌های دینی شناخته شده آزادند، مشروط بر اینکه اصول استقلال، آزادی، وحدت ملی، موازین اسلامی و اساس جمهوری اسلامی را نقض نکنند. هیچکس را نمی‌توان از شرکت در آنها منع کرد یا به شرکت در یکی از آنها مجبور ساخت.

با توجه به اصول فوق که آزادی فعالیت افراد را در ابعاد مختلف سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی تأمین می‌نماید و مشارکت مردم را در این امور امری قانونی بیان می‌دارد و آن را از حقوق آحاد ملت می‌داند، مجلس شورای اسلامی قانون فعالیت احزاب، جمعیتها و انجمنهای سیاسی و صنفی و انجمنهای اسلامی یا اقلیت‌های دینی شناخته شده را تصویب و جهت اجرا به دولت ابلاغ نمود. در این قانون همان‌گونه که مشخص است آزادی در ابعاد گوناگون دیده شده و نوع فعالیت در این زمینه را مشخص می‌نماید. اما آنچه که اکنون مورد بحث ماست انجمنهای صنفی است که باید مورد بررسی قرار گیرد.

ماده ۲ این قانون، فعالیت‌های تخصصی در چارچوب انجمنهای صنفی را چنین

تعریف می‌کند:

انجمن، جمعیت، اتحادیه صنفی و امثال آن تشکیلاتی است که بوسیله دارندگان کسب یا پیشه یا حرفه با حرفه و تجارت معین تشکیل شده، اهداف، برنامه‌ها و رفتار آن به‌گونه‌ای در جهت منافع خاص مربوط به آن صنف باشد. آئین‌نامه اجرایی این قانون که در هیئت وزیران به تصویب رسیده است انجمن صنفی را در ماده ۱ چنین معرفی می‌نماید: در آئین‌نامه منظور از انجمن، جمعیت، اتحادیه صنفی و امثال آن تشکیلاتی است که بوسیله دارندگان کسب، پیشه، حرفه و تجارت معین تشکیل می‌گردد و اهداف، برنامه و رفتار آن به‌گونه‌ای در جهت منافع خاص مربوط به آن صنف می‌باشد اعم از اینکه دارای قانون و مقررات خاص باشند یا نباشند مانند پزشکان، وکلای دادگستری، روزنامه‌نگاران، صنعتگران، صاحبان دفاتر اسناد رسمی، جامعه داروسازان، کانون صنفی فرهنگیان، کانون بازنشستگان و امثال آن که در یک محدوده جغرافیایی شهری فعالیت دارند.

اجرای این قانون که تامین‌کننده آزادیها در ابعاد سیاسی، اجتماعی، و فرهنگی می‌باشد برعهده وزارت کشور محول گردیده و این وزارت مدتی است که اقدامات لازم را شروع نموده و از انجمنهای تخصصی خواسته است فعالیت خود را بر مبنای این قانون آغاز و یا اساسنامه قبلی خود را با دستورالعمل‌های اجرایی جدید تطبیق نمایند.

باتوجه به توضیحات مطروحه مشخص می‌گردد که نظام جمهوری اسلامی ایران در

جهت دستیابی به یکی از اهداف انقلاب اسلامی کلیه اقدامات لازم را انجام داده و زمینه را برای فعالیت گروههای گوناگون آماده کرده است. اما در طرف دیگر که خود انجمنها و جمعیت‌های تخصصی حرف پزشکی می‌باشند تاکنون آنطور که باید و شاید در این مورد فعال نبوده و از این موهبتی که نظام برای آنها فراهم آورده است استفاده لازم را به عمل نیاورده‌اند. گرچه در این مورد بعضی از گروههای تخصصی وارد عمل شده و حتی انجمن خود را به ثبت رسانده‌اند، اما توقع این است که این فعالیت‌ها هرچه بیشتر گسترش یافته و انجمنهای تخصصی در رشته‌های گوناگون ایجاد شود.

از آنجا که به نظر می‌آید اهداف و وظایف این انجمنها آنطور که باید و شاید برای همکاران عزیز در حرف گوناگون پزشکی روشن نیست بر خود فرض می‌دانیم که مختصراً به آن پرداخته و این اهداف را مورد بررسی قرار دهیم. در ابتدا به اهداف تشکیل انجمنهای تخصصی پزشکی به‌طور عام پرداخته و سپس هدفها و وظایف انجمن داروسازان جمهوری اسلامی ایران را بیان می‌داریم.

مهمترین اهداف کلی که در تشکیل انجمنهای تخصصی پزشکی می‌توان مورد توجه قرار داد به شرح زیر است:

۱- تلاش به منظور خودکفایی، ارتقاء سطح علمی و نیز گسترش علوم پزشکی در جهت اهداف انجمن و نظام جمهوری اسلامی ایران.

۲- ایجاد زمینه‌های همکاری علمی با وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی،

دانشگاهها، سازمان نظام پزشکی و دیگر ادارات، وزارتخانه‌ها و موسساتی که به‌نحوی در پیشبرد و به ثمر رسانیدن اهداف انجمن موثرند.

۳- اولویت دادن به درمان مجروحین جنگی و نیز مجروحین اضطراری ناشی از حوادث طبیعی نظیر سیل، زلزله و... و نیز برطرف کردن نیازهای علمی، درمانی و پژوهشی در زمینه‌های مذکور

۴- ایجاد شرکت تعاونی مصرف به‌منظور تامین نیازهای افراد با رعایت قوانین مربوط.

۵- فراهم آوردن زمینه‌های لازم جهت رفع نیازهای علمی و خدماتی اعضا عناوین فوق‌گرفته تمامی اهداف تشکیل انجمنهای تخصصی پزشکی را به‌همراه ندارد اما با نظری کوتاه مشخص می‌سازد که از اهمیت ویژه‌ای برخوردار بوده و در صورتی که انجمنی بتواند به این اهداف جامه عمل پوشاند خدمات ارزنده‌ای به کشور و هم‌میهنان خود نموده است.

اکنون به اهداف و وظایف انجمن دارو-سازان جمهوری اسلامی ایران پرداخته و آنها را مورد مذاقه قرار می‌دهیم. این اهداف و وظایف می‌تواند به شرح زیر مورد توجه قرار گیرد:

۱- تلاش در جهت دستیابی به خودکفایی در امر دارو

۲- کوشش در جهت تحقق اهداف نظام نوین دارویی کشور

۳- فعالیت در جهت رفع نیازهای علمی و خدماتی اعضا

۴- اولویت دادن به رفع نیازهای دارویی مجروحین جنگی و نیز مجروحین اضطراری

ناشی از حوادث طبیعی نظیر سیل، زلزله و...

۵- کوشش و فعالیت در زمینه‌هایی که به‌نحوی از انحاء در ارتباط با مسائل دارو و داروسازان است.

۶- انجام همکاریهای لازم جهت ارائه مطلوب خدمات دارویی به مردم.

۷- همکاری علمی با وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، دانشکده‌های داروسازی، سازمان نظام پزشکی و وزارت صنایع جهت حل مشکلات مربوط

۸- تشکیل سمینارهای علمی در زمینه‌های گوناگون داروسازی و انتشار نشریه اختصاصی و تنظیم مسافرت‌های علمی و تاسیس کتابخانه

۹- ایجاد هماهنگیهای لازم مابین داروساز و پزشک.

با یک نظر به اهداف و وظایف فوق‌بهراحتی می‌توان به اهمیت و ارزش آنها پی برد و به این نتیجه رسید که کلیه دارو-سازان متعهد و پایبند به اصول اسلامی و انقلاب راهی جز فعالیت در جهت دستیابی به این اهداف ندارند. دسترسی به اهداف فوق‌تنها و تنها از طریق کار جمعی امکان‌پذیر بوده و تشکیل انجمن تخصصی دارو-سازی بهترین وسیله برای تحقق این اهداف است. مسئولیت داروساز متعهد بودن از یکطرف، و آماده بودن شرایط فعالیت انجمنهای تخصصی از طرف دیگر ایجاب می‌نماید که با شور و شوق فراوان به این مهم پرداخته و از این طریق وظایف خود را در قبال انقلاب اسلامی، مردم و حرفه مقدس داروسازی به بهترین وجه به انجام رسانیم.

دکتر سیدمحمد صدر